بررسی ساختاری- محتوایی عنوان‌های شعری م. سرشک در : *آیینه‌ای برای صداها*

مسعود روحانی*
محمد عنایتی**

چکیده

دستگاه واژگانی به‌منزلهٔ ابزار اولیهٔ ساخت شعر وسیله‌ای برای بیان اندیشه‌های شاعر است و بررسی و تحلیل عنوان اشعار، که یکی از بخش‌های دستگاه واژگانی محسوب می‌شود، می‌تواند راهی برای تحلیل ساخت‌های زیبایی‌شناسی شعر باشد. ازسوی دیگر، عنوان‌ها معمولاً گزیده‌ترین و مهم‌ترین واژگان ذهنی هر شاعرند. ازاین‌رو، ازطریق بررسی عنوان‌ها می‌توان به دستگاه فکری شاعر نیز نزدیک شد.

این جستار نگاهی است آماری به‌عنوان‌های شعری کتاب *آیینه‌ای برای صداها* از محمدرضا شفیعی‌کدکنی (م. سرشک) که تلاش می‌کند عنوان‌ها را از منظرهای مختلف واژگانی، زبانی و معنایی بررسی و تحلیل کند. هفت دفتر شعر حاضر در این کتاب به‌صورت دقیق آمارگیری شد و روابط میان این عنوان‌ها با اندیشهٔ م. سرشک تحت بررسی قرار گرفت. همچنین با ارائهٔ نمودارهایی مشخص شد که نقش عنوان‌های شعری در دوره‌های مختلف در شعر م. سرشک تا چه اندازه بوده است.

آنچه مسلم است م. سرشک به‌دلیل آشنایی با زیروبم زبان فارسی از دایرهٔ لغوی وسیعی برخوردار است. ازاین‌رو توانسته از عنوان‌های شعرش استفادهٔ چندجانبه کند و از تمام ظرفیت واژگانی و ادبی آن در خدمت شعر خود بهره ببرد.

کلیدواژه‌ها: شفیعی‌کدکنی، عنوان شعری، زبان، صورخیال، محتوا.

---

* دانشیار دانشگاه مازندران ruhani46@yahoo.com
** کارشناس‌ارشد دانشگاه مازندران enayati7663@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۱۹
دوفصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۳، شمارهٔ ۷۸، بهار و تابستان ۱۳۹۴

مقدمه

«شعر حادثه‌ای است که در زبان روی می‌دهد. درحقیقت شاعر با شعر خود عملی در زبان انجام می‌دهد که خواننده میان زبان شعری او و زبان روزمره و عادی تمایزی احساس می‌کند» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۵: ۳). یکی از صورتگرایان روسی شعر را رستاخیز کلمه‌ها خوانده است و مرز شعر و ناشعر همین رستاخیز کلمه‌هاست (همان: ۵). بی‌گمان شعر بیرون زبان تصورپذیر نیست، و هرچه هست تغییراتی است که در زبان روی می‌دهد. ازسوی دیگر، سبک هر شاعر نیز، نمودار گزینش و ترکیب او از امکانات متعدد زبانی و مبین تقلید یا نوآوری در دستگاه‌های مختلف زبان مانند دستگاه آوایی، واژگانی و نحوی است. دستگاه واژگانی به‌منزلهٔ ابزار اولیهٔ ساخت شعر، وسیله‌ای است برای بیان اندیشه‌های شاعر:

> یکی از شرایط مهم ارتباط با متن و هرگونه دریافت از یک اثر ادبی وابسته به شناختی است که خواننده نسبت به اجزاء و سازه‌های کوچک‌تر متن از قبیل "واژه" دارد. شناخت واژه مهم‌ترین نقش را در شناخت و تفسیر متن دارد زیرا واژگان اندوخته در ذهن شاعر است که هرکدام بر شیئی یا مفهومی که شاعر نسبت به آن آشنایی دارد، دلالت می‌کند (عمران‌پور، ۱۳۸۶: ۱۵۵).

توجهی که دانشمندان لغت‌شناس گذشته و زبان‌شناسان معاصر به "واژه" داشته‌اند، حاکی از اهمیت "واژه" است، به‌گونه‌ای که برخی محققان زبان، "واژه" را واحد اندیشه می‌دانند (لوریا، ۱۳۶۸: ۸۲).

البته نباید از نظر دور داشت که هر شاعری بنابه دلایل مختلف یا در اوضاع و احوال متفاوت، از واژگان خاصی بهره می‌برد. به‌عبارت دیگر، دایرهٔ واژگانی مخصوص به خود را دارد و این می‌تواند محصول دلایل مختلفی باشد: «عوامل مؤثر در گزینش واژگان شعر فراوان و متنوع است که برخی از آنها عبارت‌اند از: شخصیت فردی شاعر به‌ویژه حالات روحی وی، مخاطبان شاعر، سنت و میراث ادبی گذشته، محیط زندگی شاعر و اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان» (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۳۲).

می‌توان گفت این اصلی ثابت شده است که میزان حضور یک واژه یا واژگانی خاص در اثر می‌تواند ما را به نتایج تعیین‌کننده‌ای دربارهٔ صاحب آن اثر برساند. «روان‌شناسان معتقدند از روی تنوع و بسامد واژه می‌توان گرایش‌های فکری، عاطفی، اجتماعی و سیاسی را تشخیص داد. فروید بر این باور است که راز بیماری روانی را از کاربرد بیش‌از اندازهٔ پاره‌ای از واژه‌ها که حکایتگر وسوسهٔ او است می‌توان دریافت» (غیاثی، ۱۳۶۸: ۳۹).

عنوان‌هایی که شاعر برای شعر خود برمی‌گزیند جزو برجسته‌ترین و ماندگارترین واژگان اندوخته در ذهن شاعرند که ازطریق آن می‌توان به ساختار فکری او دست یافت. ازسوی دیگر، میان عنوان و مقدمات هر جزء هنری و ادبی با شاکلهٔ متن ارتباط تنگاتنگی وجود دارد که کشف این ارتباط در محورهای زبانی، ساختاری و محتوایی می‌تواند به تحلیل واقعی متن بینجامد (گرجی و میری، ۱۳۸۸: ۸۰). شفیعی‌کدکنی دراین‌باره می‌نویسد: «هیچ ضرورتی ندارد که برای تحلیل ساخت‌های جمال‌شناسی یک شاعر حتماً دیوان‌های او خوانده شود. می‌توان از روی نام کتاب‌ها ذهنیت او را تحلیل کرد» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۶: ۴۴۲). بنابراین تدقیق در عناوین شعری و نقش آنها در فرم‌دهی به ارکان مختلف شعری نتایج درخور توجهی به همراه خواهد داشت.

این مقاله بر آن است تا به بررسی عنوان‌ها در شعر محمدرضا شفیعی‌کدکنی (م.سرشک) بپردازد و از این رهگذر به روابط این عنوان‌ها با متن شعر پی ببرد و همچنین با تحلیل زبانی و محتوایی آنها، به ساختار فکری شاعر و اندیشه‌هایی که در پس این عنوان‌ها نهفته است دست یابد. به این منظور یکی از آثار م.سرشک را با نام *آیینه‌ای برای صداها* برای انجام این پژوهش برگزیدیم.

روش پژوهش

در این جستار از روش تحلیل محتوا و پژوهش آماری استفاده و سعی کرده‌ایم زوایای گوناگون زبانی و معنایی عنوان‌ها را ازلحاظ آماری بررسی کنیم و با ارائهٔ جداول و نمودارها، روابط عنوان‌ها را با ساختار و محتوای اشعار م. سرشک تبیین کنیم.

پیشینهٔ تحقیق

گفتنی است کمتر پژوهشی با این رویکرد دیده شده و از اندک نمونه‌های انجام‌شده می‌توان به مقالهٔ شفیعی‌کدکنی با نام «معناشناسی نام مجموعه‌ها» در کتاب *زمینهٔ اجتماعی شعر فارسی* و مقالهٔ «بررسی و تحلیل نام‌های اشعار قیصر امین‌پور» از مصطفی گرجی و افسانه میری اشاره کرد. بنابراین این مقاله نخستین کار پژوهشی درباب عنوان‌های شعر م.سرشک است.

آیینه‌ای برای صداها

محمدرضا شفیعی‌کدکنی استاد زبان و ادبیات فارسی علاوه بر تدریس در دانشگاه به تحقیق و پژوهش در زمینه‌های گوناگون ادبی پرداخته است و حاصل تلاش سالیان او کتاب‌های

ارزشمندی است چون *صورخیال در شعر فارسی*، *موسیقی شعر*، *ادوار شعر فارسی*، *شاعر آینه‌ها*، *شاعری در هجوم منتقدان*، *تازیانه‌های سلوک*، *مفلس کیمیافروش* و... . وی در حوزهٔ تصحیح متون و همچنین ترجمه آثار ارزنده‌ای پدید آورده و علاوه‌بر همهٔ اینها، دو مجموعه از شعرهای او به نام‌های *آیینه‌ای برای صداها* و *هزارهٔ دوم آهوی کوهی* نیز منتشر شده است.

آیینه‌ای برای صداها نام یکی از کتاب‌های شعر محمدرضا شفیعی‌کدکنی است که اشعار سال‌های ۱۳۳۷-۱۳۵۵ او را شامل می‌شود. این کتاب دربرگیرندهٔ هفت مجموعهٔ شعر است که عبارت‌اند از: *زمزمه‌ها*، *شبخوانی*، *از زبان برگ*، *در کوچه‌باغ‌های نشابور*، *مثل درخت در شب باران*، *از بودن و سرودن*، *و بوی جوی مولیان* که اولین مجموعهٔ آن با نام *زمزمه‌ها* درقالب غزل سروده شده و شش دفتر دیگر شامل اشعار نو نیمایی است که البته در دفتر *مثل درخت در شب باران* چهار غزل و شش رباعی نیز دیده می‌شود. به عبارت دیگر از بین ۲۱۵ عنوان شعر این کتاب، ۵۷ عنوان درقالب سنتی و ۱۵۸ عنوان درقالب نیمایی است. عنوان این کتاب از نام یکی از اشعار دفتر *بوی جوی مولیان* گرفته شده است.

بررسی عنوان‌های شعری ازمنظر زبان

در این بخش به ساختار زبانی عنوان‌ها توجه شده و انواع مختلف یک‌جزئی (ساخت واژه‌ای)، دوجزئی و... ساخت جمله‌ای و پیوندی به تفکیک هر دفتر شعر تحت بررسی قرار می‌گیرد.

۱. مجموعهٔ زمزمه‌ها

این مجموعه شامل ۴۷ شعر است.

ساخت یک جزئی (واژه‌ای): تعداد عنوان‌های یک‌جزئی در این مجموعه ۱۱مورد است که عبارت‌اند از: «آرزو» (۲ بار)، «زمزمه‌ها» (۶ بار)، «دیشب»، «پیغام» و «برکه» که ۲۳/۴۰ درصد از اشعار این مجموعه را شامل می‌شود.

ساخت دوجزئی: تعداد این عنوان‌ها ۲۷ مورد است و به عبارت دیگر ۵۷/۴۴ درصد عنوان‌های شعری این مجموعه را شامل می‌شود. این گروه عبارت‌اند از: «گرما»، «افسانه»، «آه شبانه»، «مشکل عقل»، «روزن قفس»، «روشن‌دلان»، «سبوی شکسته»، «سوخته خرمن»، «شهادتگاه شوق»، «کمینگاه جنون»، «سپیدهٔ آیینه‌ها»، «همت بلند»، «راه باطل»، «خضر راه»، «بیابان طلب»، «آیینهٔ بخت»، «پاکبازی شبنم»، «آیینهٔ شکسته»،

«کاروان سایه»، «همچو شبنم»، «دولت بیدار»، «بوسهٔ باران»، «گل‌های نگاه»، «تحمل خار»، «معراج فنا»، «گل‌های شوق»، «شرمندهٔ برق».

ساخت سه‌جزئی: ۳ شعر از این مجموعه عنوان سه‌جزئی دارد: «یک‌مژه‌خفتن»، «در آستان عشق» و «پس از من». این ساختار دربرگیرندهٔ ۶/۳۸ درصد از کل اشعار مجموعه است.

ساخت جمله‌ای: از این‌گونه نیز ۴ مورد یافت شده است؛ یعنی ۸/۵۱ درصد عنوان اشعار ساختار جمله‌ای دارند که عبارت‌اند از: «تو مرو»، «مگذر از من»، «در بر رخم مبند» و «مپسند».

نکتهٔ درخور توجه آنکه در هر ۴ عنوان ذکرشده افعال با پیشوند "م" به سبک کلاسیک ساخته شده‌اند.

ساخت پیوندی: ۴/۲۷ درصد عنوان‌ها از نوع پیوندی هستند که شامل ۲ عنوان «بر خاک و خار و خارا» و «قصهٔ خورشید و گل» است.

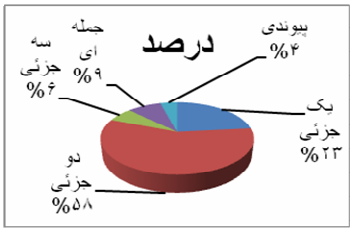

۲. مجموعهٔ *شبخوانی*

این مجموعه شامل ۲۳ شعر است.

ساخت یک‌جزئی (واژه‌ای): تعداد عنوان‌های یک‌جزئی در این مجموعه ۱۴ مورد است: «پیغام»، «تردید»، «کاروان»، «سوگواری»، «سیمرغ»، «کوهبید»، «سفر»، «خشکسال»، «پل»، «شبخوانی»، «خوابگزاری»، «شاید»، «زنهار» و «پرسش». این عنوان‌ها ۶۱ درصد از اشعار این مجموعه را شامل می‌شود.

ساخت دوجزئی: از این‌گونه عنوان‌ها ۸ مورد در این مجموعه وجود دارد که به‌عبارتی ۳۴ درصد عنوان‌های شعری این دفتر شعر را شامل می‌شود. این گروه از عنوان‌ها عبارت‌اند از: «زادگاه من»، «باغ خودرو»، «شبگیر کاروان»، «هفتخوانی دیگر»، «کدامین انتظاری»، «آیینهٔ جم»، «آشیان متروک» و «باغ برهنه».

ساخت پنج‌جزئی «در نور گل‌های مهتاب‌گون اقاقی» یگانه عنوان شعری در این مجموعه است که به‌صورت پنج‌جزئی آمده است و این ساختار دربرگیرندهٔ ۵ درصد از کل اشعار مجموعه است.

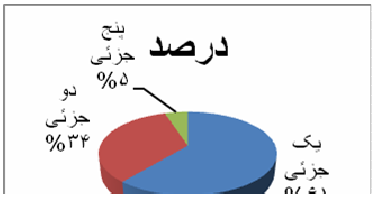

ساخت یک‌جزئی (واژه‌ای): ۷ عنوان «دیباچه»، «فتحنامه»، «معراجنامه»، «اعتراف»، «هزارپا»، «پرسش» و «زخمی» از عنوان‌های یک‌جزئی مجموعهٔ *از بودن و سرودن* محسوب می‌شوند که ۳۲ درصد از اشعار این مجموعه را شامل شده است.

ساخت دوجزئی: تعداد این عنوان‌ها ۹ مورد است و به عبارت دیگر ۴۱ درصد عنوان‌های این مجموعه را شامل می‌شود. این گروه عبارت‌اند از: «آوارهٔ یمگان»، «سرود ستاره»، «مزمور بهار»، «اضطراب ابراهیم»، «مزمور درخت»، «باطل‌السحر»، «زندگی‌نامه شقایق» (۳ مورد).

ساخت سه‌جزئی: ۳ شعر از این مجموعه دارای عنوان سه‌جزئی است که عبارت‌اند از: «آن عاشقان شرزه»، «با مرزهای جاری» و «در کجای فصل؟». این ساختار دربرگیرندهٔ ۱۳/۵ درصد از کل اشعار مجموعه است.

ساخت پنج‌جزئی: در این مجموعه ۱ عنوان پنج‌جزئی دیده می‌شود که عبارت است از: «دیر است و دور نیست». این عنوان ۴/۵ درصد از کل عنوان‌ها را به خود اختصاص داده است.

ساخت شش‌جزئی: «غزلی در مایهٔ شور و شکفتن» یگانه عنوان شعری در این مجموعه است که به‌صورت شش‌جزئی آمده و این ساختار نیز دربرگیرندهٔ ۴/۵ درصد از کل اشعار مجموعه است.

ساخت پیوندی: عنوان «سلام و تسلیت» از نوع ساختار جمله‌ای این مجموعه به حساب می‌آید که ۴/۵ درصد عنوان‌ها را شامل شده است.

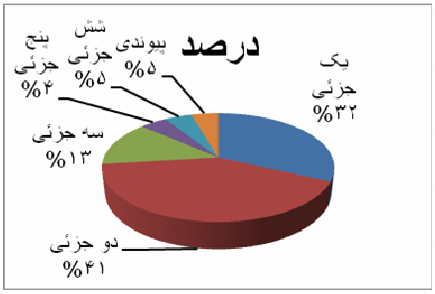

۷. مجموعهٔ *بوی جوی مولیان*

این مجموعه شامل ۳۵ شعر است.

ساخت یک‌جزئی (واژه‌ای): تعداد عنوان‌های یک‌جزئی در این مجموعه ۱۴ مورد است که عبارت‌اند از: «دیباچه»، «خطاب»، «بودن»، «نیویورک»، «سرود»، «درخت»، «مرثیه»،

«اشراق»، «پرسش» (۲ مورد) «تسلی»، «ناکجا»، «سفرنامه» و «پژواک» که ۴۰ درصد از اشعار این مجموعه را شامل می‌شود.

ساخت دوجزئی: تعداد این عنوان‌ها ۱۱ مورد است. به عبارت دیگر ۳۱ درصد عنوان‌های این مجموعه را شامل می‌شود. این گروه عبارت‌اند از: «منطق‌الطیر»، «آیه‌های شنگرفی»، «هویت جاری»، «آوارهٔ یمگان»، «شطح اول»، «شطح دوم»، «حسب‌حال»، «مزمور اول»، «مزمور دوم»، «نور زیتونی» و «بار امانت».

ساخت سه‌جزئی: ۵ شعر از این مجموعه عنوان سه‌جزئی دارد: «قصه‌الغربه‌الغربیه»، «آیینه‌ای برای صداها»، «از سرزمین زیتون»، «کیمیای عشق سبز» و «دربرابر درخت». این ساختار دربرگیرندهٔ ۱۴ درصد از کل اشعار مجموعه است.

ساخت چهارجزئی: در این مجموعه ۳ عنوان چهارجزئی نیز دیده می‌شود که عبارت‌اند از: «با سبزنای گندم چنگیز»، «وجود حاضر و غایب» و «از محاکمهٔ فضل‌اله حروفی» و ۹ درصد از کل عنوان‌ها را به خود اختصاص داده است.

ساخت شش‌جزئی: «در بادهای امشب و هر شب» یگانه عنوان شش‌جزئی در این مجموعه است که ۳ درصد از عنوان‌های این مجموعه را دربرمی‌گیرد.

ساخت جمله‌ای: ازاین‌گونه نیز ۱ مورد یافت شد. یعنی ۳ درصد عنوان‌ها دارای ساختار جمله‌ای است که عبارت است از: «مرد ایستاده است».

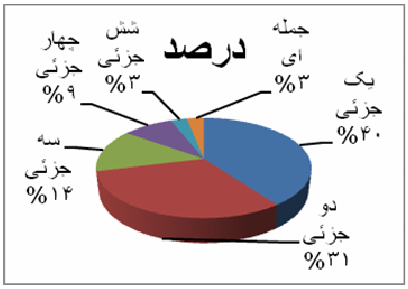

بررسی کلی عنوان‌های شعری ازمنظر زبان

برای بررسی بهتر ساختار زبانی عنوان‌های شعری لازم است نمودار کلی این ساختار در مجموع ۷ دفتر شعر ارائه شود:

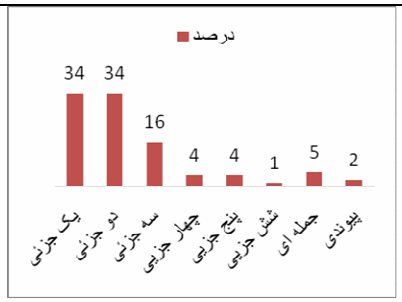

نمودار نشان می‌دهد که بیشتر عنوان‌های شعر حاضر در کتاب *آیینه‌ای برای صداها* ازنظر زبانی دارای ساختار یک‌جزئی (واژه‌ای) و دوجزئی هستند و ساخت شش‌جزئی و پیوندی کمترین بسامد را در این کتاب دارند. بسامد بالای ساخت یک‌جزئی توجه شاعر به واژه‌سازی و ارائهٔ مفهوم ازطریق واژه را نشان می‌دهد: «برای یک شاعر واقعی واژه‌سازی تجربهٔ گذشتن از آتش است و با هر واژه‌ای که خلق می‌کند فکری را می‌آفریند... و این یعنی توسعهٔ اندیشگی زبان در چارچوب واژگان» (علی‌پور، ۱۳۷۸: ۲۳۷).

حضور ساخت دوجزئی در دفترهای *زمزمه‌ها*، *از زبان برگ* و *از بودن و سرودن* بسیار پررنگ است که تمایل شاعر را به ساخت ترکیبات (وصفی و اضافی) نشان می‌دهد. «ترکیب‌ها از سازه‌های زبانی هستند که به‌گونه‌های مختلف در زبان رواج دارند. سخن‌سرایان توانمند گذشته همواره با آمیزش واژه‌ها و ساختن ترکیب‌های گوناگون به توسع زبانی و خلق معانی تازه دست زده‌اند. آفرینش ترکیب‌های تازه به نوشدن زبان شعر کمک می‌کند و اغلب در ایجاز سخن کارساز است» (حسنلی، ۱۳۸۳: ۱۶۳).

بررسی عنوان‌های شعری ازمنظر صور خیال

همان‌گونه که بررسی‌های زبانی نشان داد، ساخت‌های ترکیبی با اجزای مختلف دوجزئی و سه‌جزئی و... در گزینش عنوان‌های شعری م.سرشک بسیار دیده می‌شود. یکی از کارکردهای این ترکیب‌ها گسترش صور خیال ازطریق ایجاد آرایه‌های ادبی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که شاعر در ساخت این عنوان‌ها از آرایه‌های ادبی بهرهٔ بسیاری برده است که در ادامه به تفکیک دفترهای شعری بدان اشاره می‌شود.

۱. مجموعهٔ *زمزمه‌ها*

پرکاربردترین آرایهٔ ادبی در این مجموعه استعاره است که ۲۸/۵ درصد از مجموع صنایع ادبی را تشکیل می‌دهد. برخی از این استعاره‌ها عبارت‌اند از: «راه باطل»، «آیینهٔ شکسته»، «روشن‌دلان». تشبیه نیز از آرایه‌هایی است که در این دفتر بسیار از آن استفاده شده است

و ۲۱/۴۲ درصد عنوان‌ها را به خود اختصاص داده است. ازجملهٔ این تشبیه‌ها: «سپیدهٔ آیینه‌ها»، «بیابان طلب» و «کمینگاه جنون». از آرایه‌های پرکاربرد دیگر براعت استهلال است که ۹/۵ درصد از آرایه‌ها را شامل شده است. منظور از براعت استهلال ساختار کلاسیکی که در ابتدای قصاید ذکر می‌شده نیست، بلکه در شعر معاصر شاعر با انتخاب عنوان شعری مخاطب را با مسیر کلی شعر و طرح اصلی آن آشنا می‌سازد. نمونه‌هایی از براعت استهلال در این مجموعه: «آرزو»، «پیغام» و «مگذر از من». از دیگر آرایه‌هایی که در دفتر *زمزمه‌ها* وجود دارد می‌توان به ایهام، تشخیص، متناقض‌نما و کنایه اشاره کرد که برخی از آنها عبارت‌اند از: ایهام: در آستان عشق. تشخیص: اشک زبان‌بسته. متناقض‌نما: «معراج فنا». کنایه: «یک‌مژه‌خفتن».

کاربرد فراوان استعاره در این مجموعهٔ شعر در هیئت عنوان شعری، ازیک‌سو باعث بروز ابهام و ازسوی دیگر، سبب فراهم‌شدن زمینهٔ تأویل برای مخاطب شده و به نوعی خواننده را بیشتر با شعر درگیر کرده است.

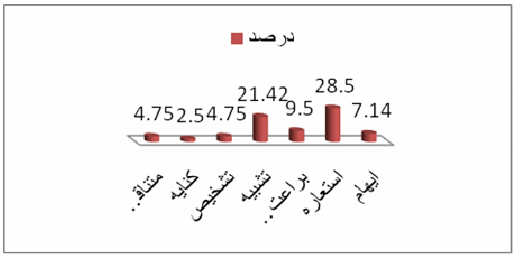

۲. مجموعهٔ *شب‌خوانی*

براعت استهلال با ۳/۴۳ درصد پربسامدترین آرایه در مجموعهٔ *شب‌خوانی* است که نشان می‌دهد که شاعر برخلاف دفتر *زمزمه‌ها* سعی دارد از ایجاد ابهام در محتوای شعرش بکاهد و درک موضوع و مسیر شعر را برای خواننده آسان‌تر کند. عنوان‌هایی مانند: «زادگاه من»، «خشکسال» و «شبخوانی» از این‌گونه‌اند. از نکات درخور توجه در به‌کارگیری آرایه‌های ادبی استفادهٔ زیاد از صنعت تلمیح است که ۱۳/۰۴ درصد عنوان‌ها را شامل شده است. بعضی از آنها عبارت‌اند از: «سیمرغ»، «آیینهٔ جم» و «هفتخوانی دیگر». شفیعی ازجمله شاعرانی است که آشنایی زیادی با تاریخ زبان فارسی دارد و یکی از دل‌مشغولی‌های او پرداختن به تاریخ و فرهنگ گذشتهٔ ایران است؛ بنابراین به‌کارگیری تلمیح یکی از روش‌های نیل به این مقصود است.

دو آرایهٔ استعاره و تشبیه نیز در این مجموعهٔ شعر دیده می‌شوند که «در نور گل‌های مهتاب‌گون اقاقی» و «باغ خودرو نمونه‌ای» برای تشبیه و استعاره‌اند.

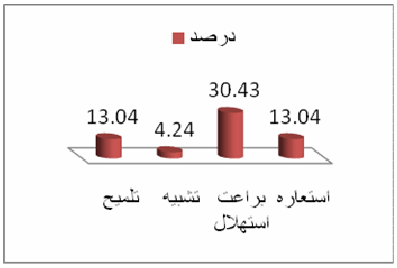

۳. مجموعهٔ *از زبان برگ*

ایهام، استعاره، براعت استهلال، تشبیه و تشخیص از آرایه‌های حاضر در عنوان‌های مجموعهٔ *از زبان برگ* هستند، اما نکتهٔ حائز اهمیت کاربرد فراوان صنعت تشخیص است که ۲۵ درصد مجموع آرایه‌ها را دربرمی‌گیرد و توجه ویژهٔ شاعر را به این آرایه نشان می‌دهد. چنان‌که از عنوان این مجموعه نیز برمی‌آید طبیعت‌گرایی از شاخصه‌های مهم شاعر در این دفتر است و جاندارانگاری عناصر طبیعت یکی از ارکان شعری او محسوب می‌شود. نمونه‌هایی از آرایهٔ تشخیص: «کوچ بنفشه‌ها»، «مرثیهٔ درخت» و «تنهایی ارغوان». پس‌از تشخیص، آرایهٔ براعت استهلال بیشترین بسامد را دارد (=۱۵/۶۲درصد). نمونه‌هایی از این عنوان‌ها: «عبور»، «در شمیم صبح» و «قصد رحیل». آرایه‌های ایهام، تشبیه و استعاره هریک با ۶/۲۵ درصد به یک میزان در عنوان‌های این دفتر نقش دارند که بعضی از آنها عبارت‌اند از: ایهام: «آواز بیگانه». تشبیه: «درخت روشنایی» و استعاره: «گل‌های زندان».

٤. مجموعهٔ *در کوچه‌باغ‌های نشابور*

۳۰/۷۶ درصد عنوان‌های شعری این مجموعه از براعت استهلال برخوردارند که می‌توان به «سفر بخیر»، «دریا» و «پرسش» اشاره کرد. ۷/۶۹ درصد عنوان‌ها از نوع تلمیح هستند که «صدای بال قنوسان» و «حلاج» از این نوع هستند. استعاره، تشبیه، تشخیص و متناقض‌نما هرکدام جداگانه ۳/۸۴ درصد را تشکیل داده‌اند که می‌توان به این موارد اشاره

کرد: استعاره: «آن مرغ فریاد و آتش». تشبیه: «کبریت‌های صاعقه در شب». تشخیص: «زان‌سوی خواب مرداب» و متناقض‌نما: «فصل پنجم».

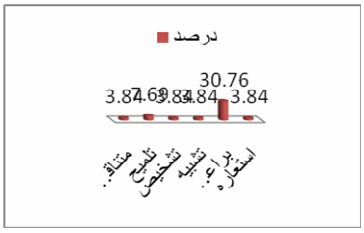

۵. مجموعهٔ *مثل درخت در شب باران*

۳۰ درصد عنوان‌ها در این مجموعه از نوع تشبیه هستند که بیشترین بسامد را در بین آرایه‌های دیگر دارد و از این نوع می‌توان به «سورهٔ روشنایی»، «از خلیج شب» و «از زیور تنهایی» اشاره کرد. براعت استهلال با ۲۰ درصد در رتبهٔ بعدی قرار دارد که بعضی از آنها عبارت‌اند از: «جوانی» و «مناجات». آرایهٔ تشخیص نیز با ۱۰ درصد از پربسامدترین آرایه‌های این مجموعه است که عنوان‌هایی مانند: «باغ میرا»، «در پرسش از شکوفهٔ بادام» از این نوع هستند. در این دفتر نیز آرایه‌های استعاره و ایهام دیده شده است که هرکدام ۳/۳۳ درصد از عنوان‌ها را شامل می‌شود: ایهام: «دو چهرهٔ درخت». استعاره: «بهار عاریتی».

۶. مجموعهٔ *از بودن و سرودن*

در این مجموعه، آرایهٔ براعت استهلال بسامد ۲۵ درصدی دارد و ازمیان ۷ آرایهٔ ادبی بیشترین کاربرد را داراست. ازجملهٔ آنها: «معراج‌نامه»، «اعتراف» و «هزارپا». پس‌از براعت استهلال، آرایه‌های استعاره، تلمیح، تشخیص و جناس به‌طور برابر هرکدام ۱۰ درصد از عنوان‌ها شعرها را به خود اختصاص داده‌اند که نمونه‌هایی از آنها عبارت‌اند از: استعاره: «آن عاشقان شرزه». تلمیح: «آوارهٔ یمگان». تشخیص: «سرود ستاره». جناس: «سلام و تسلیت». تشبیه و متناقض‌نما نیز کمترین بسامد را در این دفتر دارند.

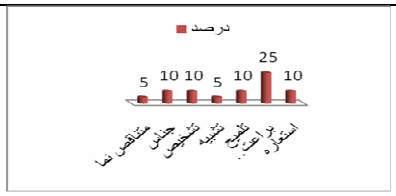

۷. مجموعهٔ *بوی جوی مولیان*

همانند دفترهای گذشته، در این دفتر نیز آرایهٔ براعت استهلال نمودی برجسته دارد و ۲۵/۷۱ درصد از عنوان‌ها را تشکیل داده است: «نیویورک»، «درخت» و «پرسش». ۱۱/۴۲ درصد عنوان‌ها از نوع تلمیح هستند که برخی از آنها عبارت‌اند از: «منطق‌الطیر»، «از محاکمهٔ فضل‌اله حروفی» و «آوارهٔ یمگان». ۵/۷۱ درصد عنوان‌ها از نوع تشبیه‌اند که از آن جمله می‌توان به «کیمیای عشق سبز» و «بار امانت» اشاره کرد. استعاره، حس‌آمیزی و متناقض‌نما از دیگر آرایه‌های موجود در این مجموعه‌اند: استعاره: «آیه‌های شنگرفی». حس‌آمیزی: «آیینه‌ای برای صداها». متناقض‌نما: «وجود حاضر و غایب».

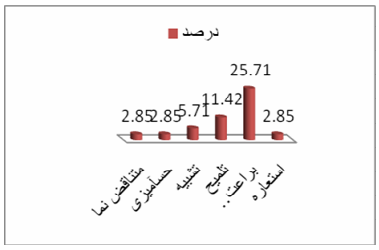

بررسی کلی عنوان‌های شعری ازمنظر صور خیال

آمارها نشان می‌دهد از میان ۲۱۵ عنوان شعر موجود در *آیینه‌ای برای صداها* ۱۳۳ شعر عنوان ادبی (همراه با آرایه‌ای ادبی) دارند. به عبارت دیگر، ۶۱ درصد از عنوان‌های این کتاب از ساختار ادبی برخوردارند. در نمودار زیر درصد صنایع ادبی حاضر در کل این کتاب ارائه شده است.

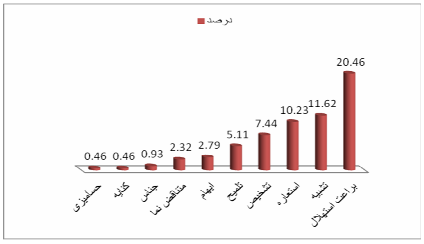

هنگام بررسی آمارها در هریک از مجموعه‌ها، به بعضی آرایه‌های موجود در عنوان‌ها اشاره کردیم. در اینجا براساس آمار کلی ارائه‌شده مواردی را بیان می‌کنیم. چنان‌که نمودار نشان می‌دهد، آرایهٔ براعت استهلال بیشترین کاربرد را در مجموعهٔ دفترهای *آیینه‌ای برای صداها* دارد. عنوان‌هایی که دارای آرایهٔ براعت استهلال‌اند مبین ذهن روشن و خالی از تعقید و پیچیدگی شاعرند، زیرا این عنوان‌ها حکم مقدمه‌ای را دارند که از همان ابتدا خواننده را با موضوع و محتوای شعر آشنا می‌کنند و به‌عبارتی، کلید رمزگشایی شعر را به دست مخاطب می‌دهند.

از دیگر آرایه‌هایی که بسیار به‌کار رفته است تشبیه و استعاره را می‌توان نام برد. تشبیه در انگیزش خیال در سطح شعر اصلی‌ترین نقش را بازی می‌کند و «هستهٔ اصلی و مرکزی اغلب خیال‌های شاعرانه است» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱۴). استعاره نیز ـکه نوعی تشبیه فشرده استـ از همین جایگاه برخوردار است و می‌توان گفت یکی از مؤلفه‌های سبکی در شعر هر شاعر، توانایی او در ارائهٔ تشبیه و استعاره است و از این رهگذر، قدرت شاعری او شناخته می‌شود و می‌توان هنر او را ارزیابی کرد.

تشخیص نیز یکی از آرایه‌های پربسامد در عنوان‌های شعری کتاب *آیینه‌ای برای صداهاست*؛ تشخیص عبارت است از جان‌بخشیدن به اشیا و طبیعت. به این صورت که برای آنها خصوصیات انسانی درنظر گرفته شود. تشخیص یکی از مهم‌ترین روش‌های ارائهٔ تصاویر زنده و پویاست و یکی از مسائل مهم مطرح در شعر شفیعی نیز توجه و دید او درباب طبیعت است. او طبیعت را یکپارچه زنده و جاندار می‌بیند، گویی تمام عناصر طبیعت با او در حال گفت‌وگو هستند و هریک زبانی و دنیایی برای او می‌گشایند. در همین راستاست که در شعر او، کاج سکوت می‌کند و باران سکوتش را می‌شوید و شب خود را در شط می‌اندازد:

باران سکوت کاج را می‌شست/در آخرین دیدارشان/پیمانه‌های روشنی لبریز/شب خویش را/در شط خاموشی رها می‌کرد (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۶: ۲۳۳).

نحوهٔ ارتباط عنوان‌ها با متن شعر

ارتباط عنوان هر شعر با خود شعر از دو طریق واژگانی و معنایی صورت می‌پذیرد. بدین‌گونه که برخی عنوان‌ها مستقیم از داخل متن انتخاب شده‌اند و بعضی دیگر ساختهٔ ذهن شاعرند و در دیالکتیک معنایی با شعر برگزیده شده‌اند. در ادامه به بررسی آماری این عنوان‌ها به تفکیک هر دفتر می‌پردازیم:

۱. مجموعهٔ *زمزمه‌ها*

این مجموعه شامل ۴۷ شعر است و بیشتر عنوان‌ها از قسمت خاصی از شعرها برگزیده شده‌اند: ۱۰ مورد از بیت آخر، ۲ مورد از ردیف شعرها، ۲۵ مورد از بخش‌های میانی اشعار انتخاب شده‌اند. به عبارت دیگر، ۳۷ عنوان عیناً از واژگان و عبارات داخل شعر انتخاب شده‌اند. یعنی حدود ۸۰ درصد این نام‌ها از داخل شعر برگزیده شدند.

۲. مجموعهٔ *شبخوانی*

از مجموع ۲۳ عنوان شعر حاضر در مجموعهٔ *شبخوانی* ۱۷ مورد از داخل متن و ۶ مورد از بیرون متن اشعار انتخاب شده‌اند. به زبانی دیگر، ۸۰ درصد عنوان‌ها عیناً از واژگان و عبارت‌های شعر هستند که از بخش‌های مختلف هر شعر (ابتدای شعر=۳ مورد، انتهای شعر= ۸ مورد، میانه شعر= ۶ مورد) گلچین شده‌اند.

۳. مجموعهٔ از *زبان برگ*

در مجموعهٔ از *زبان برگ* نیز اغلب عنوان‌های شعری از متن شعر انتخاب شده‌اند که در این میان سهم قسمت میانی بیشتر از دیگر قسمت‌هاست: ۵ مورد از ابتدای شعر، ۸ مورد از انتهای شعر، ۱۰ مورد از بخش‌های میانی اشعار انتخاب شده‌اند. به عبارت دیگر بیش‌از ۷۱ درصد این نام‌ها از داخل شعر برگزیده شدند که این مبین ارتباط میان مفهوم مدنظر شاعر و واژگان به‌کاررفته در شعر اوست.

٤. *در کوچه‌باغ‌های نشابور*

در دفتر *در کوچه‌باغ‌های نشابور* نیز قسمتی از عنوان‌های شعری از داخل متن شعر برگزیده شده‌اند و از مجموع ۲۶ شعر این دفتر، ۱۱ مورد عنوان‌ها خارج از متن و ۱۵ مورد از داخل متن شعر هستند: ۸ مورد از بخش پایانی شعر، ۱ مورد از بخش آغازین و ۶ مورد از بخش‌های میانی اشعار انتخاب شده‌اند؛ یعنی ۴۶ درصد از بیرون شعر و ۵۴ درصد از عبارات داخل شعر.

۵. *مثل درخت در شب باران*

این مجموعه شامل ۳۰ عنوان شعر است که آمارها نشان می‌دهد فقط ۳ مورد از این عنوان‌ها از داخل شعر برگزیده شده‌اند: ۱مورد= ابتدا، ۱مورد= انتها و ۱مورد= ردیف و ۲۷ مورد دیگر بیرون حوزهٔ واژگانی شعرها هستند. به‌عبارت دیگر، ۹۰ درصد عنوان‌های شعری این مجموعه خارج از متن شعر هستند که این تغییر روش شاعر را در انتخاب عنوان‌ها

نشان می‌دهد: شاعر در ایجاد ارتباط بین عنوان و شعر، از ارتباط واژگانی و کلامی به ارتباط معنایی و محتوایی روی آورده است.

۶. از بودن و سرودن

در این مجموعه نیز فقط ۷ عنوان از ۲۲ عنوان شعر حاضر در مجموعه از داخل شعر برگزیده شده‌اند: ۳مورد= ابتدا، ۳مورد= انتها و ۱ مورد= بخش میانی و بقیهٔ عنوان‌ها خارج از شعر هستند. یعنی حدود ۷۰ درصد عنوان‌ها از رهگذر ارتباط معنایی با شعر انتخاب شده‌اند.

۷. بوی جوی مولیان

در دفتر شعری *بوی جوی مولیان* نیز می‌بینیم که بیشتر عنوان‌ها از بیرون شعر هستند و در دایرهٔ واژگانی و لغوی شعر جایی ندارند. آمار عنوان‌های این مجموعه بدین شرح است: ۱۱ مورد از داخل متن (ابتدا=۱ مورد، انتها= ۹ مورد و بخش میانی= ۱مورد) و ۲۴ مورد خارج از متن.

نمودار اشعاری که عنوان آنها از داخل متن انتخاب شده‌اند

با بررسی آماری همهٔ دفترهای *آیینه‌ای برای صداها* درمی‌یابیم که درمجموع شاعر در انتخاب عنوان‌ها هم به ارتباط واژگانی توجه داشته و هم به ارتباط معنایی. بدین‌سان می‌بینیم که ارتباط ۵۲ درصد از مجموع عنوان‌ها با متن شعر از نوع واژگانی و ۴۸ درصد آنها از نوع معنایی است. اما نکته اینجاست که شفیعی‌کدکنی در دفترهای ابتدایی این کتاب توجه وافری به انتخاب از راه ارتباط کلامی و واژگانی داشته و بیشتر عنوان‌ها را از داخل شعر برگزیده است و در مجموعه‌های پایانی این کتاب، به‌طور غیرمنتظره، اغلب عنوان‌ها را ازطریق ارتباط محتوایی آنها با شعر و روابط معنایی بین آنها انتخاب کرده است که تحول شاعر و تغییر نگرش و سبک او را نشان می‌دهد: هرچه به دفترهای پایانی نزدیک شده است، توجه خود را از لفظ به معنا معطوف کرده است. این موضوع شاید به نوعی سهم مخاطب را در درک اشعار او بیشتر کرده است. زیرا در این‌گونه اشعار مخاطب مجبور است برای درک شعر توجه و دقت بیشتری صرف کند؛ حال آنکه در اشعاری که عنوان آنها از

داخل متن شعر انتخاب شده‌اند مخاطب راحت‌تر به مقصود شاعر پی می‌برد و تلاش زیادی برای درک منظور شاعر انجام نمی‌دهد.

نکتهٔ درخورتوجه در عنوان‌هایی که از رهگذر ارتباط واژگانی برگزیده شده‌اند آن است که ببینیم شاعر عنوان‌ها را بیشتر از کدام بخش شعر خود انتخاب کرده است. جدول زیر آمار این انتخاب‌ها را به تفکیک هفت دفتر شعر نشان می‌دهد:

نام دفتر شعری	بخش آغازین شعر	بخش میانی شعر	بخش پایانی شعر	ردیف شعر	جمع
زمزمه‌ها	۰	۲۵	۱۰	۲	۳۷
شبخوانی	۳	۶	۸	۰	۱۷
از زبان برگ	۵	۱۰	۸	۰	۲۳
در کوچه باغ‌های نشابور	۱	۶	۸	۰	۱۵
مثل درخت در شب باران	۱	۰	۱	۱	۳
از بودن و سرودن	۳	۱	۳	۰	۷
بوی جوی مولیان	۱	۱	۹	۰	۱۱
جمع	۱۴	۴۹	۴۷	۳	۱۱۳

نمودار درصدی بخش‌های شعری که در انتخاب عنوان دخیل بوده‌اند

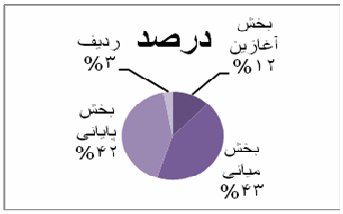

این نمودار نشان می‌دهد که شاعر عنوان شعرهایش را بیشتر از بخش‌های میانی و پایانی اشعار برگزیده است و اهمیت بیشتری برای این بخش‌ها قائل بوده است. شفیعی در پایان بسیاری از شعرهای خود به عنوان شعر اشاره کرده است که این خود بازگوکنندهٔ اهمیت بخش پایانی و نحوهٔ پایان‌بندی شعر ازنظر شاعر است؛ زیرا معمولاً عنوان‌های شعری دربردارندهٔ مضمون اصلی شعر و ارائه‌کنندهٔ هدف، احساس و اندیشهٔ شاعرند و وقتی شاعری عنوان را در بخشی از شعر جای می‌دهد مبین اهمیتی است که بدان بخش از شعر می‌نهد.

نکتهٔ تکمیلی که در حیطهٔ رویکرد زبانی به عنوان‌های شعری می‌توان به آن اشاره کرد آوردن حرف اضافه در ابتدای عنوان‌های شعر است. آمارها نشان می‌دهد شفیعی در ۱۵ درصد از عنوان‌های حاضر در مجموعه‌های مختلف شعرش بدین شیوه عمل کرده است که

برخی از آنها عبارت‌اند از: «در آستان عشق»، «بر خاک و خار و خارا»، «در نور گل‌های مهتاب‌گون اقاقی»، «با آب، از دور در آیینه»، «در چارراه رنگ‌بازی‌ها»، «در شمیم صبح»، «در حضور باد»، «برای باران»، «در این شب‌ها»، «از پشت این دیوار»، «از بودن و سرودن»، «به یک تصویر»، «در آن‌سوی شب و روز»، «زان‌سوی خواب مرداب»، «از خلیج شب»، «از لحظه‌های آبی» (۲ مورد)، «در پرسش از شکوفهٔ بادام»، «از زیور تنهایی»، «در اقلیم بهار» (۳ مورد)، «در اقلیم پاییز»، «با مرزهای جاری»، «در کجای فصل»، «در بادهای امشب و هرشب»، «با سبزنای گندم چنگیز»، «از سرزمین زیتون»، «از محاکمهٔ فضل‌اله حروفی»، «دربرابر درخت».

بررسی عنوان‌ها ازمنظر محتوایی

رویکرد دیگری که می‌توان عنوان‌های شعری را از دریچهٔ آن تحت بررسی قرار داد، رویکرد محتوایی و معنایی است. واقعیت آن است که مفاهیم و معانی گوناگون واژه‌ها ما را به درک و دریافت بهتر و درست‌تر آثار هر شاعر نزدیک می‌کنند و ازسوی دیگر، ازطریق بررسی واژگان شاعر می‌توان به نظام اندیشگانی او دست یافت. عنوان‌های شعری نیز از همین مقوله‌اند و بررسی آنها از آن جهت بااهمیت است که نمایندهٔ فکر و اندیشهٔ شاعر به حساب می‌آیند. چه، شاعر در انتخاب عنوان شعر تمام جوانب را مراعات کرده تا عنوان شعر به بهترین شکل روحیات و اندیشهٔ او را نمایندگی کند. ازاین‌رو، بررسی محتوایی عنوان‌های شعری در شناخت عناصر فکری شاعر بسیار راه‌گشاست. در ادامه به بررسی محتوایی عنوان‌های شعری کتاب *آیینه‌ای برای صداها* می‌پردازیم و موضوع‌های پربسامدی را که ازطریق بررسی این عنوان‌ها قابل دریافتند بیان می‌کنیم.

طبیعت‌گرایی

یکی از موضوع‌های پرکاربرد در شعر شفیعی، که از بررسی عنوان‌های شعری دریافت می‌شود، طبیعت‌گرایی شفیعی است.

> شفیعی سرشار از طبیعت است. او طبیعت را دربرابر شهرزدگی برگزیده است. شهر آهن و پولاد نمی‌تواند شاعر را از طبیعت مأنوس خود جدا سازد. ازاین‌روست که همواره از زبان طبیعت سخن می‌گوید. طبیعت در نگاه شاعر جلوه‌ای خاص دارد. او به وصف طبیعت نمی‌پردازد و نمی‌خواهد مانند شاعران گذشته تجسمی از زیبایی‌های طبیعت ارائه دهد. طبیعت را با انسان درمی‌آمیزد و حالتی سمبلیک ارائه می‌دهد (زرین‌کوب، ۱۳۶۳: ۲۲۰).

۵۷ عنوان در شعر شفیعی دلالت بر طبیعت‌گرایی او دارد که ۲۷ درصد از عنوان‌های شعری را به خود اختصاص داده است. از میان هفت دفتر تحت بررسی، دفترهای *زمزمه‌ها* و *از زبان برگ* بیشترین سهم را دارند. ازجملهٔ این واژگان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
«پاکبازی شبنم»، «بوسهٔ باران»، «برکه»، «بر خاک و خار و خارا»، «قصهٔ خورشید و گل»، «باغ خودرو»، «در نور گل‌های مهتاب‌گون اقاقی»، «کوهبید»، «کوچ بنفشه»، «شمیم صبح»، «مرثیهٔ درخت»، «تنهایی ارغوان»، «در حضور باد»، «میان جنگل آتش»، «فصل پنجم»، «دریا»، «کبریت‌های صاعقه در شب»، «از خلیج شب»، «در پرسش از شکوفهٔ بادام»، «زندگی‌نامهٔ شقایق»، «در اقلیم پاییز» و «بهار عاریتی» و... .
آمارها نشان می‌دهد م. سرشک معمولاً در هر دفتر شعر نام یک گل یا درخت را ذکر کرده و واژهٔ درخت نیز بارها در مجموعه‌های او آمده است.

عشق و عناصر رمانتیک

یکی دیگر از موضوعاتی که بسیار در مرکز توجه شاعر قرار گرفته و عنوان‌های شعرش بر آن دلالت دارند مفاهیم عاشقانه و رمانتیک است که ۴۴ عنوان شعری را شامل شده است و درمجموع ۲۰ درصد عنوان‌ها را دربرمی‌گیرد. اما نکتهٔ درخورتوجه آن است که ۶۳ درصد این عنوان‌های رمانتیک در مجموعهٔ *زمزمه‌ها* ـکه اولین دفتر شعر م.سرشک است ـ دیده می‌شود و نشان‌دهندهٔ شور و شوق و حال‌وهوای رمانتیک در ابتدای دوران شاعری اوست. هرچه جلوتر می‌رویم از تعداد این واژگان و کاربرد این مفاهیم کاسته می‌شود. در ادامه به برخی از این عنوان‌ها اشاره می‌کنیم: «آرزو»، «در آسمان عشق»، «شهادتگاه شوق»، «کمینگاه جنون»، «در بر رخم مبند»، «پاکبازی شبنم»، «تو مرو»، «مگذر از من»، «بوسهٔ باران»، «کدامین انتظاری»، «تنهایی ارغوان»، «دیدار»، «پیمانه‌ای دوباره»، «مزمور عشق»، «این کیمیای هستی»، «جوانی»، «کیمیای عشق سبز» و... .

امید

محققان در تحلیل شعر شفیعی بر این باورند که شعر شفیعی سرشار از امید به آینده است. «آنچه در کارنامهٔ شعری شفیعی در هیچ شرایطی کدر نشده است "امید" است. شعر او را برخلاف شعر اخوان شعر امید می‌دانستند» (عباسی، ۱۳۷۸: ۴۸). شفیعی‌کدکنی ادامه‌دهندهٔ پیگیر شعر سیاسی بود که بعدها به همراه سعید سلطان‌پور، از بنیان‌گذاران و مدافعان و مروجان شعر جنگل یا شعر چریکی شد. با شکست جنبش ملی در سال ۱۳۳۲ بخش اعظم روشنفکران مبارز به این نتیجهٔ یأس‌انگیز رسیدند که هیچ‌گونه پیروزی برای

ملت ایران مقدّر نیست. اما شعر شفیعی سرشار از امید به آینده است. او هیچ‌گاه در این دوران ناامید نشد و همواره روشنایی را در پس تاریکی‌ها جست‌وجو می‌کرد.

پس‌از قیام سیاهکل، شعر معروف به شعر سیاهکل نیز به‌عنوان شاخه‌ای از شعر چریکی جان گرفت که یکی از ویژگی‌های آن این است که امید بر یأس و صبح بر شب غلبه می‌کند (ر.ک لنگرودی، ۱۳۸۷: ۱۶/۴-۱۸). در همین زمینه باید گفت که شفیعی هیچ‌گاه از آینده ناامید نشد. او همواره منتظر بهار است:

گفتمش:/خالی است شهر از عاشقان/وینجا نماند/مرد راهی تا هوای کوی باران بایدش/گفت: چون روح بهاران/آید از اقصای شهر/مردها جوشد زخاک/صبر مردان و/دل امیدواران بایدش (شفیعی، ۱۳۷۶: ۳۰۶-۳۰۷).

شفیعی در انتهای شب ظلمانی منتظر صبح است:

صبح آمده‌ست برخیز/بانگ خروس گوید/وین خواب و خستگی را/در شط شب رها کن (همان: ۲۵۰).

در اندیشهٔ م.سرشک، رسیدن بهار حتمی است:

می‌آید، می‌آید:/مثل بهار از همه سو می‌آید/دیوار/یا سیم خاردار/نمی‌داند (همان: ۲۵۴).

با مقدمه‌ای که گفته آمد می‌توان انتظار داشت عنوان‌ها و نام‌هایی که شفیعی برای اشعارش انتخاب می‌کند نیز سرشار از امید باشد. برخی عنوان‌ها عیناً به شور و امید شاعر اشاره دارند که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: «شهادتگاه شوق»، «دولت بیدار»، «گل‌های شوق»، «چشم‌روشنی صبح»، «درخت روشنایی»، «در شمیم صبح»، «از بودن و سرودن»، «سورهٔ روشنایی»، «سرود»، «در اقلیم بهار»، «سرود ستاره»، «مزمور بهار»، «غزلی در مایهٔ شور و شکستن»، «بودن» و «مرد ایستاده است» و... .

در این میان بعضی عناصر نیز بر امید شاعر تأکید دارند. واژگانی مانند: «باران»، «دریا»، «صبح»، «درخت» و «آیینه» و... در عنوان‌هایی مثل: «بوسهٔ باران»، «سفرنامهٔ باران»، «برای باران»، «سپیدهٔ آیینه‌ها»، «آیینهٔ بخت»، «آیینهٔ شکسته»، «از دور در آیینه» و... . البته واژگانی را که به ساز و سرودن اشاره دارد نیز می‌توان به این جمع اضافه کرد: «از بودن و سرودن»، «سرود»، «مزمور عشق» و... .

حرکت و تکاپو

یکی از عناصری که از شعر شاعران می‌توان دریافت میزان شادابی و تحرک یا خمودگی و بی‌تحرکی ارکان شعر است. شاعران متناسب با تفکر و روحیه و احساسات خود به شعری

پویا یا ساکن گرایش پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، شعر هر شاعری مبین احساسات درونی اوست و ازطریق آن می‌توان به ویژگی‌های روحی و روانی گوینده دست یافت. آنچه مسلم است امید، شادی و خوش‌بینی، سرچشمه‌های حرکت و پویایی محسوب می‌شوند و شفیعی‌کدکنی نیز شاعری برون‌گرا و امیدوار و خوش‌بین است و حرکت و پویایی به اشکال گوناگون در شعر او نمود یافته است. او خود می‌سراید:

حسرت نبرم به خواب آن مرداب کآرام درون دشت شب خفته‌ست
دریایم و نیست باکم از طوفان دریا همه عمر خوابش آشفته‌ست

حرکتی که در اشعار او پنهان است مخاطب را به خود جلب می‌کند و حالات درونی شاعر را به بهترین نحو ممکن بروز می‌دهد. این تحرک در سرتاسر شعر شفیعی‌کدکنی موج می‌زند و بازتاب روح پرتلاطم اوست. منوچهر آتشی دراین‌باره می‌نویسد:

> اصل مهم در کل شعر شفیعی عرض‌اندام جلوه‌های زندگی و نفس زنده‌بودن و مثل یک آدم زنده به جهان نگریستن است. سکون در هیچ‌یک از مصراع‌های او ـ تا چه رسد به شعرهای اوـ جایی ندارد. گویی شعرهای او مثل خودش، فرز و چابک، مدام در تک‌ودو و در گردش و تلاش و جست‌وجوی‌اند... (آتشی، ۱۳۷۸: ۴۹).

بررسی عنوان‌های شعری کتاب *آیینه‌ای برای صداها* نیز نشان می‌دهد که بعضی از این عنوان‌ها به حرکت و تکاپو اشاره دارند. ازجمله: «راه باطل»، «خضر راه»، «کاروان سایه»، «کاروان»، «شبگیر کاروان»، «سفر»، «عبور»، «سفرنامهٔ باران»، «کوچ بنفشه‌ها»، «قصد رحیل»، «سفربه‌خیر»، «زان‌سوی خواب مرداب»، «با مرزهای جاری»، «هویت جاری» و «سفرنامه» و... .

مفاهیم پرسشی

یکی از موضوع‌هایی که از بررسی عنوان‌های شعر م.سرشک روشن می‌شود طرح پرسش است. به‌عبارت دیگر، بعضی عنوان‌های انتخاب‌شده به شیوهٔ سؤالی برگزیده شده‌اند؛ مانند: «کدامین انتظاری؟»، «راستی آیا...»، «شب در کدام سوی سیه‌تر؟»، «چه بگویم؟»، «آیا تو را پاسخی هست؟»، «نگر آنجا چه می‌بینی؟»، «در کجای فصل؟» و... . در بعضی دیگر از عیناً واژهٔ "پرسش" ذکر شده است: «در پرسش از شکوفهٔ بادام»، «پرسش» (۵ مورد).

طرح یک پرسش در ابتدای شعر و قراردادن آن در جایگاه عنوان نشانهٔ اهمیت موضوع پرسش و دغدغه‌ای است که شاعر درآن‌باره دارد.

اما نکتهٔ درخور اعتنایی که در این زمینه وجود دارد، ارتباطی است که بین این عنوان‌های پرسشی با نحوهٔ پایان‌بندی اشعار م.سرشک برقرار است. بدین‌گونه که شعرهایی

که عنوان آنها به‌صورت استفهامی طرح شده‌اند، پایانشان نیز به صورت استفهامی و پرسشی شکل گرفته است. این حاکی از توجه ویژهٔ شاعر به مقطع اشعارش است. مثلاً در شعری با عنوان پرسشی «راستی آیا» می‌بینیم که پایان شعر بدین‌گونه آمده است:

«راستی آیا/می‌توان شعری در مدح/شقایق‌ها خواند؟» (شفیعی، ۱۳۷۶: ۱۷۰).

انسان‌گرایی

یکی از دغدغه‌های شفیعی‌کدکنی بیان دردهای انسان است؛ به عبارت دیگر، انسان محور بسیاری از اندیشه‌های اوست و هرجا که فرصتی دست دهد نام بزرگی از بزرگان هنر و فرهنگ و ادب ایران و جهان را بر زبان می‌آورد؛ به‌گونه‌ای که در شعر هیچ‌یک از شاعران معاصر تا این اندازه با ستایش‌نامه‌های بزرگان و مفاخر بشری روبه‌رو نیستیم. او همواره دغدغهٔ انسان والا را داشته است. او از فردوسی، خیام و حافظ سخن می‌گوید و ازمیان شاعران معاصر از دهخدا و اخوان ثالث یاد می‌کند. ازسوی دیگر، نام بسیاری از شخصیت‌های حماسی و اسطوره‌ای مانند رستم، سیاوش و بیژن و... در اشعار او دیده می‌شود. همچنین از برخی پیامبران ایرانی مانند مزدک، مانی و زرتشت سخن رانده است.

جای پای بسیاری از بزرگان عرفان و ادب پارسی در شعر م.سرشک دیده می‌شود؛ مردان مردی چون حلاج و سهروردی بر سر دار، و عین‌القضات درمیان انبوه شبگردان، شیخ مهنه در مشغلهٔ مأموران محمودی، عطار و مولوی در حلقهٔ سماع پایکوب و دست‌افشان. شاعر، این‌همه را در بزم شعرش فراخوانده تا تصویری از شکوه حقیقت بنمایاند. او در زیّ انسان‌های مبارز و حق‌طلب، که به حق آرایندگان تاریخ ملت‌ها هستند، حلاج و سهروردی‌ها را می‌بیند و با آنها چنین سخن می‌گوید:

ای مرغ‌های توفان! پروازتان بلند.../ زان سوی خواب مرداب، آوازتان بلند.../ دیدارتان: ترنم بودن/ بدرودتان: شکوه سرودن،/ تاریختان بلند و سرافراز/ آن‌سان که گشت نام سر دار/ زان یار باستانی همرازتان بلند (شفیعی، ۱۳۷۶: ۳۰۴).

شفیعی در شعر «حلاج» از حضور دوبارهٔ او در اکنون و تداوم فریاد او در زمان سخن می‌گوید. ازسویی به ستایش آن عاشق شهید می‌پردازد و ازسویی دیگر «انبوه کرکسان تماشا» را که درمقابل «مأمورهای معذور» به سکوت تن می‌دهند محکوم می‌کند و بر نقش حلاج عاشق جانباز که شعر عشق را با جان خویش سرود پای می‌فشارد (رحیمی، ۱۳۷۸: ۱۰۷).

بررسی عنوان‌های شعری م.سرشک نیز هرچه بیشتر ما را با نگاه انسان‌دوستانهٔ شاعر آشنا می‌سازد. جایی که نام برخی شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌ای را برای عنوان اشعار

خود برمی‌گزینند یا با ذکر ضمایر انسانی مانند: من و تو و... به حس انسان‌گرایی خود دامن می‌زند: «خضر راه»، «تو مرو»، «مگذر از من»، «زادگاه من»، «آیینهٔ جم»، «حلاج»، «آن عاشقان شرزه»، «اضطراب ابراهیم»، «با سبزنای گندم چنگیز»، «آوارهٔ یمگان»، «از محاکمهٔ فضل‌اله حروفی»، «مرد ایستاده است» و... . ذکر دردها و آمال و آرزوهای انسانی در عنوان‌های شعری نیز بر این اندیشه تأکید دارد: «آرزو»، «زمزمه‌ها»، «آه شبانه»، «اشک زبان‌بسته»، «سوگواری»، «مرثیهٔ درخت»، «تنهایی ارغوان»، «چه بگویم»، «ملال»، «مناجات»، «مرثیه» و «سوگنامه» و... .

در پایان می‌توان گفت م.سرشک با توانایی فراوانی که در حیطهٔ زبان و تخیل و صورخیال دارد و به پشتوانهٔ آمیزش و انس طولانی با زبان و ادب فارسی، توانسته از عنوان‌هایی که برای اشعارش برگزیده به‌صورت چندجانبه استفاده کند و علاوه‌بر نهادن نامی برای هر شعر، از دایرهٔ واژگانی و صورخیال آن واژه یا عبارت یا جمله نیز درجهت بیان بهتر اندیشه و روشن‌کردن مسیر شعرش بهره بگیرد.

نتیجه‌گیری

میان عنوان‌ها با متن، ارتباط نزدیکی است که کشف این ارتباط در محورهای زبانی، ساختاری و محتوایی می‌تواند به تحلیل واقعی متن کمک کند. در جستار حاضر، درپی چنین هدفی در شعر م. سرشک، ازطریق ارائهٔ آمارها و نمودارهای گوناگون از کتاب *آیینه‌ای برای صداها*، سعی کردیم به تحلیل محتوایی شعر م.سرشک بپردازیم. این بررسی‌ها به نتایج ذیل ختم شد:

۱. ازلحاظ زبانی، اغلب عنوان‌های شعری کتاب *آیینه‌ای برای صداها* دارای ساختار یک‌جزئی (واژه‌ای) و دوجزئی هستند و ساخت شش‌جزئی و پیوندی کمترین بسامد را در این کتاب دارند. این موضوع علاقهٔ شاعر به واژه‌سازی و ارائهٔ مفهوم ازطریق واژگان را نشان می‌دهد. ازسوی دیگر، بسامد بالای ساختارهای دوجزئی، مبین تمایل شاعر به ساخت ترکیبات (وصفی و اضافی) است.

۲. ازلحاظ ادبی، ازمیان ۲۱۵ شعر موجود در کتاب، ۱۳۳ عنوان ادبی (همراه با آرایه‌ای ادبی) بوده‌اند. به عبارت دیگر، ۶۱ درصد از عنوان‌های این کتاب از ساختار ادبی برخوردارند. این نشان می‌دهد شفیعی‌کدکنی به بهترین نحو از ظرفیت واژگانی که برای عنوان اشعار خود برگزیده درجهت گسترش صورخیال بهره گرفته است. بسامد آرایه‌های موجود در عنوان‌بندی اشعار دفترهای هفت گانهٔ کتاب *آیینه‌ای برای صداها* متفاوت است،

اما مهم‌ترین این آرایه‌ها در سطح کل کتاب به‌ترتیب بسامد عبارت‌اند از: براعت استهلال: ۲۰/۴۶٪؛ تشبیه: ۱۱/۶۲٪؛ استعاره: ۱۰/۲۳٪؛ تشخیص: ۷/۴۴٪؛ تلمیح: ۵/۱۱٪؛ ایهام: ۲/۷۹٪؛ متناقض‌نما: ۲/۳۲٪؛ جناس: ۰/۹۳٪؛ کنایه و حس‌آمیزی: ۰/۴۶٪.

بنابراین براعت استهلال بیشترین کاربرد را در مجموعهٔ دفترهای شعری م. سرشک دارد که بر دوری شاعر از تعقید و پیچیدگی تأکید می‌کند؛ زیرا این عنوان‌ها همچون مقدمه‌ای، کلید رمزگشایی شعر را به دست مخاطب می‌دهند.

۳. ازلحاظ ارتباط عنوان‌ها با متن شعر آمارها نشان می‌دهد که شاعر در انتخاب عنوان‌ها هم به ارتباط واژگانی (انتخاب عنوان از داخل متن=۵۲٪) توجه داشته و هم به ارتباط معنایی (انتخاب عنوان از خارج متن=۴۸٪). نمودارها مبین آن است که شاعر عنوان‌ها را غالباً از بخش‌های میانی و پایانی اشعار برگزیده است، چون اهمیت بیشتری برای این بخش‌ها قائل بوده است.

۴. عنوان‌های شعری کتاب *آیینه‌ای برای صداها* از جهت محتوایی نیز بررسی شد و به بسیاری از موضوعات و مفاهیم اندیشگانی دست یافتیم که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: طبیعت‌گرایی، حضور عناصر رمانتیک، اندیشهٔ حرکت، امید به آینده، بیان پرسش و انسان‌گرایی.

۴. ۱. طبیعت‌گرایی یکی از موضوعات پرکاربرد در عنوان‌های شعر شفیعی است. ۵۷ مورد از عنوان‌های به‌کاررفته بر طبیعت‌گرایی او دلالت دارد که ۲۷ درصد عنوان‌ها را به خود اختصاص داده است. همچنین ازمیان هفت دفتر تحت بررسی، دفترهای *زمزمه‌ها* و *از زبان برگ* بیشترین سهم را دارند.

۴. ۲. یکی دیگر از موضوعاتی که ـبه‌خصوص در دفترهای ابتداییـ مرکز توجه شاعر قرار گرفته بیان مفاهیم عاشقانه و رمانتیک است که ۴۴ عنوان شعری را شامل شده است و درمجموع ۲۰ درصد عنوان‌ها را دربرمی‌گیرد.

۴. ۳. از نتایج دیگر بررسی محتوایی عنوان‌ها در شعر شفیعی آن است که این عنوان‌ها سرشار از امیدند و واژگانی مانند باران، دریا، صبح، درخت و آیینه و... که در بخش بزرگی از این عنوان‌ها حضور دارند به‌خوبی افق روشن و امیدوارانهٔ ذهن شاعر را نمودار می‌کنند.

۴. ۴. نکتهٔ دیگری که می‌توان دریافت حرکت و تکاپویی است که در عنوان‌ها پنهان است و همین عنوان‌ها بازتاب روح پرتلاطم و ناآرام شاعرند که در سرتاسر شعر موج می‌زند.

۴. ۵. از مسائل مهم در بررسی عنوان‌های شعری موضوع طرح پرسش است؛ یعنی بعضی عنوان‌ها به شیوهٔ سؤالی برگزیده شدند. جالب توجه آنکه شعرهایی که عنوان آنها به‌صورت استفهامی طرح شده‌اند به صورت استفهامی نیز به پایان رسیده‌اند.

۴. ۶. انسان‌گرایی نیز یکی از دغدغه‌های شفیعی‌کدکنی است که از نام‌های اشعار دریافتنی است. بررسی عنوان‌های شعری م. سرشک نیز هرچه بیشتر ما را با نگاه انسان‌دوستانهٔ او آشنا می‌کند. جایی که نام برخی شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌ای را برای عنوان اشعار خود برمی‌گزینند.

۵. چنان‌که در متن مقاله گفته آمد شفیعی‌کدکنی در دفترهای ابتدایی کتاب *آیینه‌ای برای صداها* توجه وافری به انتخاب عنوان‌ها از راه ارتباط کلامی و واژگانی داشته و بیشتر عنوان‌ها را از داخل متن شعر برگزیده است و در دفترهای پایانی کتاب به‌طور غیرمنتظره اغلب عنوان‌ها را ازطریق ارتباط محتوایی آنها با شعر و روابط معنایی بین آنها انتخاب کرده است. این مبین تغییر نگرش شاعر و سبک اوست که هرچه به دفترهای پایانی نزدیک شده، توجه خود را از لفظ به معنا معطوف کرده است. شاید بتوان این تغییر نگرش را نوعی حرکت تکاملی شعر و حرکت از رمانتیسم تغزلی به سوی سمبولیسم زبانی دانست. چه، دفترهای آغازین این کتاب یعنی *زمزمه‌ها* و *شبخوانی*، ازنظر محتوا، شامل غزلیات عاشقانه و متضمّن درون‌مایه‌هایی تغزلی است که به تقلید از سبک خراسانی، ازنظر زبانی نیز ساختار ساده‌ای دارند، اما هرچه به دفترهای پایانی می‌رسیم، پیچیدگی‌های فکری و زبانی بیشتر و ملموس‌تر می‌شوند. انتخاب‌نکردن عنوان از داخل متن را می‌توان ناشی از همین پیچیدگی‌های فکری و گرایش به ابهام در زبان دانست که نوعی سمبولیسم زبانی را یادآور می‌شود.

سخن آخر آنکه دایرهٔ وسیع واژگانی شفیعی‌کدکنی ـکه حاصل سال‌ها تلاش در عرصهٔ زبان و ادبیات فارسی استـ دست او را در انتخاب بهترین نام‌ها برای اشعارش بازگذاشته و ازسوی دیگر، این عنوان‌ها به بهترین نحو مسیر ذهنی شاعر و محتوای اشعارش را برای خواننده روشن کرده‌اند.

منابع

آتشی، منوچهر (۱۳۷۸) «در کوچه‌باغ‌های نشابور». *سفرنامهٔ باران*. به‌کوشش حبیب‌اله عباسی، تهران: روزگار: ۴۹-۵۱.

پورنامداریان، تقی (۱۳۸۰) *در سایهٔ آفتاب*. تهران: سخن.

ـــــــ (۱۳۸۱) *سفر در مه* (تأملی در شعر احمد شاملو). تهران: نگاه.

حسنلی، کاووس (۱۳۸۳) *گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران*. تهران: ثالث.
رحیمی، رضا (۱۳۷۸) «در کوچه‌باغ‌های شعر شفیعی». *سفرنامهٔ باران*. به‌کوشش حبیب‌اله عباسی. تهران: روزگار: ۱۰۰-۱۱۰.
زرین‌کوب، حمید (۱۳۶۳) *چشم‌انداز شعر نو*. تهران: توس.
شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۶) *آیینه‌ای برای صداها*. تهران: آگاه.
ـــــــ (۱۳۸۵) *موسیقی شعر*. تهران: آگاه.
ـــــــ (۱۳۸۶) *زمینهٔ اجتماعی شعر فارسی*. تهران: اختران.
عباسی، حبیب‌اله (۱۳۷۸) *سفرنامهٔ باران* (نقد و تحلیل اشعار دکتر شفیعی کدکنی). تهران: روزگار.
علی‌پور، مصطفی (۱۳۷۸) *ساختار زبان شعر امروز*. تهران: فردوس.
عمران‌پور، محمدرضا (۱۳۸۶) «اهمیت عناصر و ویژگی‌های ساختاری واژه در گزینش واژگان شعر». *گوهر گویا*: ۱۵۳-۱۸۰.
غیاثی، محمدتقی (۱۳۶۸) *درآمدی بر سبک‌شناسی ساختاری*. تهران: شعلهٔ اندیشه.
گرجی، مصطفی و افسانه میری (۱۳۸۸) «بررسی و تحلیل نام‌های اشعار قیصر امین‌پور». *جستارهای ادبی*. شمارهٔ ۱۶۷: ۷۹-۱۰۵.
لنگرودی، شمس (۱۳۸۷) *تاریخ تحلیلی شعر نو*. جلد ۴. تهران: مرکز.
لوریا، الکساندر (۱۳۶۸) *زبان‌شناخت*. ترجمهٔ حبیب‌اله قاسم‌زاده. ارومیه: انزلی.